

ملی‌گرایی در پوشش زنان قاجار

مطالعه موردی: مقالات نشریه شکوفه

فرشته کیاوش^۱

چکیده

پوشش زنان ایرانی در نیمه دوم عصر قاجار دستخوش تغییرات اساسی شد. ارتباط گسترده‌تر با مغرب‌زمین، ورود اجناس اروپایی و تمایل گروهی از روشنفکران به مظاهر تمدن غرب، از جمله عواملی بودند که تأثیری قابل توجه بر سبک پوشش زنان شهری گذاشتند. در این دوره، عواملی همچون رکود صنایع نساجی، تعطیلی کارخانه‌ها و تقلید ناآگاهانه زنان ایرانی از پوشش غربی، افرادی که داعیه ملی‌گرایی و میهن‌پرستی داشتند را بر آن داشت تا به طرق مختلف با این پدیده مقابله کنند. شکوفه که نشریه‌ای ویژه بانوان بود و در عصر مشروطه چاپ می‌شد نیز چنین هدفی داشت، این نشریه با چاپ مقالاتی سعی داشت زنان را به استفاده از منسوجات و پوشاک ایرانی ترغیب کند و از مصرف کالاهای فرنگی بازدارد.

این پژوهش با هدف تبیین مدگرایی زنان قاجار و نیز بازتاب جریان‌های ملی‌گرایانه در راستای ترغیب مصرف تولیدات داخلی به نگارش درآمده است. در مقاله پیش رو محتوای آن دسته از مقالات مرتبط با منسوجات و پوشاک نشریه شکوفه تحلیل شده‌اند که بانوان را به مصرف تولیدات داخلی تشویق، و با ابزار تجدد و مصرف‌گرایی مخالفت کرده‌اند. روش تحقیق تاریخی، توصیفی - تحلیلی، و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. نتایج پژوهش نمایانگر تأثیرپذیری و تقلید زنان شهری از مد اروپایی است، پدیده‌ای که به رواج رفتارهایی همچون خودنمایی با زیورآلات و پوشاک غربی و در نتیجه افزایش بی‌رویه واردات پارچه و لباس (که از عوامل مهم رکود صنعت نساجی این دوره به شمار می‌آید) انجامید.

واژگان کلیدی: سبک پوشش، زنان قاجار، ملی‌گرایی، نشریه شکوفه

۱. مقدمه

اگر پوشش، یک عمل اجتماعی و معنادار فرض شود، باید در قالب‌های اجتماعی تحلیل و تفسیر شود، لذا تحول در شیوه پوشش نیز وابسته به تغییرات اجتماعی است. از این منظر می‌توان میان وضعیت سنتی، دوره گذار، مدرن و حتی پسامدرن تفاوت قایل شد. با آنکه در ابتدای قرن بیستم تفکر و شیوه‌های تولید در ایران همچنان بر پایه سنت استوار بود لیکن عده‌ای از روشنفکران، تجددگرایی را به منظور رهایی از بحران اقتصادی رواج دادند. عصر قاجار را می‌توان دوره گذار از سنت به مدرنیته دانست. با وقوع انقلاب صنعتی در اروپا، تولیدات متنوع صنعتی غرب مجال برای خودنمایی محصولات سنتی ایران باقی نگذاشت. ورود این محصولات ماشینی زمینه ورود فرهنگ غربی به کشور را نیز فراهم کرد. پس از انقلاب مشروطه اندیشه‌های تجددخواهانه و تفکرات ملی‌گرایانه گسترش یافت و به دنبال آن جایگاه بانوان ایرانی در اجتماع نیز متحول شد. ایجاد مدارس دخترانه، انتشار نشریات مخصوص زنان، و تشکیل انجمن‌ها موجب افزایش سطح آگاهی زنان و ورود آنان به عرصه اجتماع شد. در این بین، «مزین

۱. دانشجوی دکتری رشته پژوهش هنر، عضو هیات علمی دانشگاه علم و فرهنگ.

السلطنه» با تأسیس روزنامه «شکوفه» حرکتی نو در مطبوعات کشور آغاز کرد، این نشریه مقالات متنوعی در باب سبک پوشش بانوان منتشر می‌کرد که اندیشه مذهبی و ملی‌گرایانه در آنها مشهود بود. در این پژوهش، آن دسته از مقالات شکوفه که به موضوع پوشاک و منسوجات پرداخته‌اند، تحلیل محتوا شده‌اند، تا ایدئولوژی ملی و مذهبی‌گرایانه آنها آشکار شود. همچنین تلاش شده‌است تا مختصات سبک پوشاک زنان عصر مشروطه و نیز میزان تأثیرپذیری آن سبک، از مظاهر غربی مشخص شود.

پرسش‌های پژوهش عبارتند از:

۱. فرایند تأثیرپذیری زنان قاجار از سبک پوشش غربی چگونه بوده‌است؟
۲. مقالات شکوفه، ملی‌گرایی را چگونه با پوشش زنان مرتبط می‌سازد؟
۳. مقالات شکوفه غالباً ملی‌گرایی تجددخواهانه را تئوریزه می‌کردند یا مذهبی؟

روش تحقیق تاریخی، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری، و سپس تحلیل محتوا شده‌اند. بازه زمانی مورد مطالعه در این پژوهش اواخر دوره قاجار، یعنی زمانی که جامعه شهری متحول شد و مظاهر فرهنگی غربی (از جمله پوشاک) در دسترس عموم قرار گرفت، است. پژوهش‌هایی همچون: «نقش زنان در انقلاب مشروطه» (اتحادیه، ۱۳۸۰)، «مطالعات تطبیقی پوشاک زنان قبل و بعد از سفر ناصرالدین شاه به اروپا» (اباذری، ۱۳۹۵) و «بررسی مطالبات زنان در جراید عصر مشروطه» (علیزاده، ۱۳۹۵) قبلاً در این حوزه انجام شده‌اند که در این پژوهش نیز از نتایج آنها استفاده شده‌است.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. ملی‌گرایی^۲

ناسیونالیسم را واژه‌ای زاده شده از بطن مدرنیسم، و نتیجه طبیعی «انقلاب صنعتی» و طغیان‌های سیاسی دو قرن اخیر همچون انقلاب فرانسه دانسته‌اند. این مفهوم بیشتر در بستر تحول دولت مدرن قابل درک است. به نظر «گلنر»^۳ ناسیونالیسم، در درجه اول از اصول سیاسی خاصی است که به انطباق واحد ملی و سیاسی باور دارد. با بررسی نظریات مختلف پیرامون ناسیونالیسم می‌توان گفت که هیچ نظریه واحدی برای تعریف آن وجود ندارد. این واژه که گاه جنسیتی ایدئولوژیک به خود می‌گیرد و «پذیره‌ای مدرن» و یا «تجانس جامعه‌شناسانه» تعریف می‌شود، و گاه با اسطوره‌های کهن پیوند می‌خورد و زمانی با سنت‌ها در می‌پیچد. ناسیونالیسم از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در جوامع مختلف تعاریف متفاوت می‌پذیرد، مفهومی است که معنای آن مدام در حال بازتولید است و در واقع ناسیونالیسم «یگانه‌ای» وجود ندارد.

با این همه، غالب نظریه‌های کلی ناسیونالیسم وجود یک «تجانس جامعه‌شناسانه را مفروض می‌گیرند؛ یعنی [براین باورند] که ساختارها و فرآیندهای اجتماعی مشترکی وجود دارند که بینان پدیده‌های سیاسی / ایدئولوژیک را تشکیل می‌دهند و متذکر می‌شوند که همه این نظریه‌ها به رغم تنوعات مفهومی و اصطلاحی‌شان ساختار بنیانی مشترکی دارند (اوزکریمی، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

2 .Nationalism

3 .Gellner

گروهی از ناسیونالیست‌ها (کسانی چون «هردر»^۳ و رومانیک‌ها) در زمره ازلی‌انگاران طبقه‌بندی می‌شوند. آنها معتقدند که ناسیونالیسم از شروع خلقت زاده شده. چینی تعبیری از این مفهوم، رهیافتی است که به «تغییرناپذیری ماهیت ملت» می‌انجامد. این گروه، ملت را نهادی طبیعی و تقریباً جاودان که مخلوق خداوند است می‌دانند و معتقدند که یک زبان و فرهنگ خاص مجری نقشی است که ملت در طول تاریخ باید ایفا کند. علاوه بر «هردر» افرادی چون «نوالیس»^۴ و «شلایر ماخر»^۵ و «فیخته»^۶ نیز بر زبان و فرهنگ به عنوان ارکان اصلی اندیشه ناسیونالیستی تأکید کرده‌اند (بن، ۱۳۷۶: ۷۵).

گروهی نیز ناسیونالیسم را از منظر مدرنیزاسیون (نوسازی) بررسی کرده‌اند. «گلنر» پیچیده‌ترین شرح را از ناسیونالیسم در این چارچوب قرار داده‌است. «دویچ»^۷ بر توسعه روابط داخلی درون کشورها از این لحاظ که منجر به ایجاد حس مشترک هویت اخلاقی و سیاسی می‌شود، تأکید کرده‌است. برخی دیدگاه‌های مارکسیستی هم، چنین رویکردی به ناسیونالیسم دارند و معتقدند ناسیونالیسم دستاورد توسعه نابرابر مناطق مختلف است. به عبارتی دیگر ناسیونالیسم، معلول سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری بافت‌های پیوند دهنده گذشته که معمولاً به صورت قومی - تاریخی بوده را از بین برده که در نتیجه، این شکاف‌ها به صورت شکاف‌های ملیتی خود را نشان می‌دهد (اوز کریملی، ۱۳۸۳، ۸۶).

رهیافت دیگر که امروزه رواج بیشتری یافته‌است توسط کسانی مانند «اسمیت»^۸ و «اندرسن»^۹ ارائه شده‌است و بر اهمیت ناسیونالیسم و اعتبار هویت ملی تأکید می‌کند. اسمیت بر هویت ملی به عنوان توانا‌ترین و طولانی‌ترین تأثیر هویت‌های فرهنگی جمعی امروزی تأکید می‌کند. طبق نظریه آنتونی اسمیت ناسیونالیسم اشاره به سه کاربرد زبان، نماد و جنبش اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژی یک ملت دارد (کاتم، ۱۳۷۸: ۲۱).

۲-۲. ملی‌گرایی در دوره قاجار

به باور «کاتم» اهمیت ناسیونالیسم به عنوان یک عزم راسخ در رفتارها و برداشت‌های ایرانی، عمدتاً مربوط به قرن بیستم و هم‌زمان با مبارزه روسیه و انگلیس برای برتری‌طلبی و سلطه بر این کشور است (کاتم، ۱۳۷۱: ۲۵). ایران پس از فروپاشی دولت دیرپای صفوی تا روی کار آمدن دولت قاجار (۱۱۷۹ش/۱۸۰۰م) دوره‌ی تلاطمی را پشت سر گذاشت. روسیه در جنگ‌های بین سال‌های ۱۱۸۰-۱۲۰۷ش (۱۸۰۱-۱۸۲۸م) بخش وسیعی از سرزمین ایران را جدا کرد. این موضوع نه تنها هراس، بلکه خشم ملی را در ایران برانگیخت. به دنبال نابسامانی سیاسی و سستی فرهنگی، دگرگونی‌های بنیادی و فراگیر در اجتماع سنتی ایران آغاز شد. در چنین اوضاعی، روشنفکران و دولتمردان چاره‌ای جز قبول اصلاحات در ایران نداشتند.

جریان ملی‌گرایی در ایران در قرن نوزدهم به عنوان یک ایدئولوژی مستقل با تجددخواهی ارتباط تنگاتنگی پیدا کرد. روشنفکرانی که داعیه تجددگرایی داشتند به ملی‌گرایی، نگاهی مثبت داشتند. عواملی همچون ارتباط با غرب، اعزام دانشجو به خارج و جریان

3 . Johann Gottfried Herder

4 .Novalis

5 .Friedrich Daniel Ernst Schleiermacher

6 .Johann Gottlieb Fichte

7 .Karl Deutsch

8 .Anthony.d. Smith

9 .Benedict Anderson

مشروطه، زمینه رشد ملی‌گرایی را فراهم ساختند. قشر تحصیل‌کرده در فرنگ، مفاهیم جدیدی مانند «ملیت و وطن‌پرستی» را در جامعه رواج دادند. در این دوره، معنای استبداد از «پادشاهی» به «پادشاهی مستبد»، مفهوم ملت از «جامعه‌دینی» به مفهوم غیر دینی «ملیت»، و مفهوم مردم از «مردم» بدون معنای سیاسی به «مردم» دارای معنای ضمنی دموکراتیک و میهن‌پرستانه تغییر یافت (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۶۶).

پیش از مشروطه، نخستین اقدامات اصلاحی توسط عباس میرزا (۱۱۸۴ ش. / ۱۸۰۵ م.) و بعدها میرزاتقی خان امیرکبیر (۱۲۲۷ ش. / ۱۸۴۸ م.) و میرزا حسین‌خان سپهسالار (۱۲۴۹ ش. / ۱۸۷۰ م.) و در قالب توجه به منافع ملی صورت گرفت. پیشگامان اصلاح‌طلبی ایران «همه از آذربایجان یعنی خط مقدم جبهه با روسیه آمدند و تبریز^۱ به کانون ناسیونالیسم ایرانی تبدیل شد» (قادری و میرزایی، ۱۳۹۰: ۷۷). البته غالب‌روشنفکران این عهد، با اندیشه ناسیونالیسم و مظاهر آن نظیر «میهن دوستی» و «ملت» مرتبط بودند که تاثیر آن در آرا و افکار ایشان مشهود است. چنان که «آدمیت»، میرزا فتح‌علی آخوندزاده را «اندیشه‌ساز ناسیونالیسم ایرانی» و اندیشه‌ساز «فلسفه ناسیونالیسم جدید» معرفی می‌کند و او را در کنار جلال‌الدین میرزای قاجاری در زمره نمایندگان ناسیونالیسم جدید می‌شناسد (آدمیت، ۱۳۵۷: ۱۰۸).

۳. جنبش مشروطه

در اواخر دوره قاجار، بی‌کفایتی شاهان قاجار و فساد حاکم بر دربار؛ بحران اقتصادی بعد از شکست در جنگ‌های ایران و روسیه؛ از دست رفتن مناطق حاصل‌خیز ایران با عهدنامه‌های ترکمانچای و گلستان؛ و... موجب تشدید نارضایتی مردم از حکومت شد. همچنین در این عصر و به دلایلی همچون دلایل ذیل، روز به روز بر آگاهی سیاسی جامعه ایران افزوده می‌شد:

- تلاش‌های فکری روشن‌فکران و افزایش ارتباطات فرهنگی با جهان خارج؛

- انتشار روزنامه‌ها که مدام بر تعدادشان افزوده می‌شد؛

- انتشار غیر رسمی ولی گسترده آثار سیاسی انتقادی که مردم را با مفاهیمی مثل مجلس، مشروطیت و آزادی آشنا می‌کرد؛

- بیانیه‌های مراجع نجف که با استناد به متون مذهبی به مخالفت با نفوذ بیگانگان و استبداد قاجاری می‌پرداختند؛

- مهاجرت ایرانیان به کشورهای همسایه برای کار و تحصیل که آنها را با پیشرفت‌های ملل دیگر آشنا می‌کرد.

این عوامل، زمینه را برای بروز یک انقلاب علیه خاندان قاجار فراهم کردند، انقلابی که مشروطه نام گرفت. جامعه ایران در آستانه مشروطیت وارد مرحله جدیدی از تغییر و تحول در ساختار سیاسی - اجتماعی شده بود. شریعت‌پناهی این دوره را دوره «نفی انقلابی سنت‌های اجتماعی می‌داند که به زنان جرأت فعالیت در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی داد» (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۲۱۶). مشروطه موجب دگرگونی‌های عظیم فرهنگی اجتماعی و سیاسی در کشور شد که نقش و جایگاه اجتماعی زنان نیز از آن بی‌بهره نماند. «از آنجایی که جنبش مشروطه رویکردی نوگرایانه به امور داشت، تاثیر آن در روند گذار از سنت به مدرن، در خصوص مسایل زنان به شکلی کلی مطرح شده است» (ترابی فارسانی، ۱۳۹۴: ۷۰).

^۱ شهر تبریز، کانون اصلاحات ایران در آن زمان بود و از این لحاظ، دربار ولیعهد در تبریز مهم‌تر از دربار شاه در تهران به شمار می‌رفت.

نهضت مشروطه میل به تغییر نقش زنان را در جامعه تقویت کرد، در این برهه مشروطه خواهان زمان را مناسب دیدند تا همانند انقلاب فرانسه بانوان را نیز وارد صحنه کرده و از فرهنگ خانه‌نشینی دور کنند. پیامد حضور زنان در عرصه اجتماع، سیاست و فرهنگ، پیگیری مطالبات اجتماعی آنها بود. از مهم‌ترین دست‌آوردهای حضور اجتماعی نسوان در این دوره می‌توان به برخورداری دختران از حق تحصیل در مدارس دخترانه و تاسیس روزنامه‌هایی که توسط خود بانوان اداره می‌شد، اشاره کرد. در این بین، زنان روشنفکر با آگاهی از جایگاه اجتماعی و شرایط سخت زندگی، از وضع موجود انتقاد می‌کردند و خواستار بازبینی و دگرگونی شرایط خود بودند. انتشار مجلات و روزنامه‌هایی با سردبیری بانوان و چاپ مطالب متنوع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای آگاهی‌دادن به زنان نیز گامی در این راستا بود. ویژگی این مطبوعات، رویکرد و خیزش آنها به جانب مطالبات اجتماعی جنس زن بود. به نوعی می‌توان سیر تحول متون مندرج در این روزنامه‌ها را در قالب خیزش خرده جنبشی به معنای همکاری زنان با جنبش عمومی در کشور معرفی کرد (زنجانی زاده، ۱۳۹۴: ۶۴).

۴. تاثیرات جنبش مشروطه بر سبک پوشش

در بررسی تاریخ ایران، مشروطه را باید با نگاه دیگری نگریست. دوره‌ای که تحت تاثیر آشنایی با فرهنگ غرب، سوادآموزی، روزنامه‌نگاری و... بانوان تشویق به پیگیری مطالبات اجتماعی خود شدند. درحقیقت می‌توان مشروطه را نقطه گذار زنان از نگرش جامعه سنتی به مدرن دانست؛ «به همین سبب، پوشاک قاجاریه شامل دو دوره جداگانه می‌شود. «دوره اول زمانی است که هنوز ارتباط با دول خارجی توسعه نیافته بود؛ و دوره دوم، با آمدن تجار و سیاحان اروپایی به ایران و مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا تحول چشمگیری پدیدار شد» (غیبی، ۱۳۸۴: ۵۴۸). در این دوران، تضاد فرهنگی به اوج رسید و درگیری‌هایی بین دو گروه سنتی جامعه و روشنفکران مشروطه‌خواه به وجود آمد.

تا قبل از مشروطه حتی زنان مرفه طبقه اشراف نیز همواره با پوشش سنتی و ملاحظات اخلاقی در مجامع عمومی ظاهر می‌شدند، ولی در اواخر دوره قاجار مفهوم «مد» وارد جامعه شد. حال، زنان شهری و اعیان سعی می‌کردند که مطابق مد روز لباس بپوشند. این زنان - به فراخور وضع مالی - قدرت انتخاب و ایجاد سبکی برای پوشش خود را داشتند. اما این انتخاب بیشتر، تقلید و کپی‌برداری از پوشش‌های غربی بود. «آشکار بود که در این ایام (دوران مشروطه) تأثیر حضور زنان اروپایی در افکار زنان ایرانی خیلی بیشتر و سریع‌تر از جماعت مردان بود. به نحوی که زنان ایرانی (عموما قشر اعیان و اشراف و زنان و خوانین) خیلی زود تحت تأثیر افکار و عادات زنان اروپایی قرار گرفتند» (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۲۱۸). «کولیور رایس» در خاطرات خود از زنی تحصیل کرده یاد می‌کند که علاوه بر توانایی‌های فکری، خیاطی هم بلد بوده و می‌توانسته کت، دامن یا پیراهنی پارسی بدوزد و از این که زنان قاجاری سبک و مد لباس‌های اروپایی را تحسین می‌کنند اظهار خوشحالی می‌کند. (رایس، ۱۳۸۳: ۴۶) نکته دیگر به کارگیری کلمه «ملحقات»^{۱۱} لباس است که نشان از کاربرد زیاد این ملزومات نزد زنان ایرانی داشته، و گاه قیمت آن با پارچه برابری می‌کرد. همچنین رایس نقل می‌کند: زنانی که بالاترین جایگاه را در دربار داشتند با علاقه و استفاده از ارتباطات خود مسئول آوردن مد اروپا به جامعه ایران بودند (همان: ۱۱۸).

^{۱۱} Accessory

هرآنچه که به عنوان تزئینات بر روی پارچه لباس اضافه شود.



تصویر ۲



تصویر ۱

تصویر شماره ۱- تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه در لباس اروپایی (آرشیو مطالعات معاصر ایران، م-۲۷۵-۰-۱۳۱۲۴۷-۰)
تصویر شماره ۲- یکی از زنان در اواخر دوره قاجار (آرشیو موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی)

۵. نشریه شکوفه

روزنامه شکوفه به سردبیری «مریم عمید» (مزمین السلطنه)، دومین نشریه مخصوص بانوان بود^{۱۲} که در طول چهار سال حیات مطبوعاتی خود در ۷۰ شماره به چاپ رسید. نخستین شماره این نشریه در ذیحجه سال ۱۳۳۰ ق در تهران چاپ شد و واپسین شماره‌اش نیز در ذیقعدۀ سال ۱۳۳۴ ق منتشر شد. «مزمین السلطنه» در نخستین شماره و برای معرفی شکوفه نوشت: «روزنامه‌ای است اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحة اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان. راجع به مدارس نسوان مقالاتی که با مسلک جریده موافقت داشته‌باشد، پذیرفته می‌شود.» این نشریه دو بار در ماه منتشر می‌شد (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۷۳). شکوفه به راحتی در دسترس عموم بود و در مدارس نیز پخش می‌شد و قاعدتا از مدارس به خانه‌ها هم راه می‌یافت. «خسروپناه» مخاطبان روزنامه شکوفه را زنان عامه می‌داند. به عقیده وی: «پس از انقلاب مشروطه فعالیت‌های زنان در عرصه اجتماعی، حول دو محور سیاسی و فرهنگی اجتماعی می‌چرخید. گروهی افکار رادیکال داشتند و معتقد به برداشتن موانع بر سر راه فعالیت‌های سیاسی زنان بودند و از مجلس خواهان برابری زن و مرد و احراز شرایط لازم برای مشارکت زنان در صحنه‌های

۱۲. دانش اولین نشریه‌ای بود که چشم‌پزشکی به نام خانم دکتر کحال به صورت هفته‌نامه در سال ۱۳۲۸ ه ق به طور رسمی منتشر کرد (زنجانی‌زاده، ۱۳۹۴، ۶۶).

سیاسی و اجتماعی کشور بودند و گروهی دیگر با ارزیابی شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور هدفهای محدودتری را که قابل دسترسی بود مانند مدارس دخترانه، آموزش و سواد آموزی دختران دنبال می‌کردند» (خسرو پناه، ۱۳۸۱: ۲۳۵).

نشریه شکوفه در ابتدا تأکید بر بی‌طرفی در عالم سیاست داشت و جزء نشریات میانه رو به حساب می‌آمد. مقالات روزنامه بیشتر در باره تساوی حقوق زن و مرد و تحصیل علم برای نساء، حمله به خرافه‌پرستی، تأکید بر رعایت قوانین مذهبی و انتقاد از بی‌بند و باری‌های جامعه بود (خداداد، ۱۳۸۷: ۲۴). شکوفه از سال دوم رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت و مقالاتی علیه غربزدگی و در دفاع از پیشینه تاریخی ایران با رویکرد مذهبی منتشر کرد. شکوفه در این مقالات به مسائلی مانند استقلال ملی، مبارزه با نفوذ بیگانگان، تحریم کالاهای وارداتی، ترویج منسوجات وطنی و وظایف زنان در قبال آن پرداخت. در واقع «نشریه شکوفه در درون گفتمان سنت حرکت می‌کند. هنجارهای اخلاقی و اجتماعی جامعه را پاسداری می‌کند، به بدحجابی و رفتارهای نامناسب برخی زنان در معابر اعتراض می‌کند و حتی در تاریخ ۱۳۳۱ ق. در شماره ۱۳، ص ۳ می‌نویسد: اگر شریعت را پاس نمی‌دارند به خانم‌های فرنگی نگاه کنند که روگیری ندارند ولی رفتار و حرکات نامناسب انجام نمی‌دهند» (ترابی فارسانی، ۱۳۹۵: ۶۹).

۶. حمایت از منسوجات داخلی در دوره قاجار

مقارن با دوره حکومت ناصرالدین‌شاه رقابت میان کشورهای صنعتی برای انحصار در بازارهای خارجی شدت گرفته بود. انقلاب صنعتی تولید را از حالت دستی به ماشینی و انبوه تبدیل کرد. در این دوره بر تعداد کارخانه‌های نساجی و مؤسسات گوناگون مد لباس در اروپا و آمریکا افزوده شد. این درحالی بود که صنایع نساجی ایران مسیری رو به اضمحلال را طی می‌کرد. بنابراین تجار روسی، اروپایی و آمریکایی توانستند بازار پر رونقی را برای ورود منسوجاتشان به ایران فراهم سازند. به گفته چارلز عیسوی: «منسوجات ایران، که تا پیش از این جزء کالاهای مهم صادراتی خصوصاً به روسیه و آسیای میانه به شمار می‌رفت، در این زمان به یکی از کالاهای اصلی وارداتی بدل شد. زیرا که در رقابت با فرآورده‌های ماشینی اروپایی، صنایع دستی محلی از توانایی کافی برخوردار نبودند» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۰۸). شریعت‌پناهی در این خصوص می‌گوید: «با جانشینی منسوجات روسی، اروپایی (و سپس امریکایی) نه تنها صنایع نساجی ایران رو به ویرانی و رکود رفتند بلکه صاحبان صنایع و عده زیادی از جمعیت ایران که در این رشته مهم از صنعت ایران اشتغال داشتند بیکار شدند و دست از این حرفه شستند» (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۱۲۶).

در این زمان (۱۸۷۱ م.) ناصرالدین شاه با صدور حکمی به ارتش مبنی بر استفاده از البسه یکسان و متحدالشکل که توسط صنعت داخلی تولید، و پارچه آن نیز از کرمان فراهم شده باشد، عزم به ارتقاء سطح صنایع کهن نساجی ایران می‌کند. این اقدام به طور غیر مستقیم به احیاء بافت پارچه‌های پشمی در یزد، مشهد و شیراز هم یاری رساند. برای نمونه «در کرمان به دلیل اهمیت تولید شال، دولت به حمایت از این صنعت پرداخت و میرزا تقی خان نیز تولید آن را با موفقیت ارتقاء داد» (فلور، ۱۳۹۳: ۶۳). اگر چه واردات محصولات خارجی موجب نابودی بسیاری از صنایع ایران شد، اما سرمایه خارجی تا حدی زمینه بهبود و پیدایش برخی صنایع نوین (از جمله قالی بافی) را نیز فراهم آورد. در صنعت بافت و نساجی هم - به رغم تولید انبوه پارچه‌های صنعتی - بعضی پارچه‌ها و پوشاک سنتی میدانی فراتر از گذشته به دست آوردند و تولید خود را گسترش دادند. از جمله می‌توان به صنعت عبا بافی اشاره کرد «که با توسعه کم نظیر آن در پایان سده ۱۹ میلادی، حدود سی هزار کارگاه دایر شد که پنبه مورد نیاز آن از خارج وارد می‌شد، تا کنون نیز عبا بافی سنتی ایران در بین کشورهای منطقه جایگاه خود را حفظ کرده است» (کریمی‌ان، عطارزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

با نفوذ روزافزون فرهنگ اروپایی، زنان روشنفکر (که کمترین بهره را از مزایای اجتماعی داشتند)، دست از تلاش برای رسیدن به اهدافشان برداشتند و زمانی که ترویج کالاهای داخلی در دستور کار مجلس اول قرار گرفت انجمن‌های زنان اعلام کردند که از مصرف کالاهای خارجی خودداری خواهند کرد. در مطبوعات این زمان روزنامه شکوفه برجسته‌ترین روزنامه‌ای بود که از نظر اقتصادی به استفاده از کالاهای ملی توجه می‌نمود (علیزاده، باغداردلگشا، ۱۳۹۵: ۲۱۸-۲۰۱). شکوفه با تشویق زنان به پوشیدن لباس‌هایی با منسوجات داخلی، تقلید زنان ایرانی را نقد می‌کرد و آن را باعث ذلت و فلاکت می‌دانست. این نشریه برای تهییج احساسات ملی‌گرایانه زنان ایرانی در جهت پوشیدن منسوجات وطنی مقالات متعددی منتشر می‌کرد و پوشیدن لباس ایرانی را مترادف با شرف، قومیت و ایرانیت می‌شمرد. شکوفه به آقایان روحانی و اولیاء امور پیشنهاد می‌کرد تا در پوشش خود و خانواده‌هایشان از پارچه‌های ایرانی که باعث رشد صنایع نساجی ایران می‌شود، استفاده کنند. در شماره ۲۱ این نشریه آمده است:

مگر در پارچه‌های لطیف یزد، کاشان و کرمان چه ضرری مترتب است و در
اطلس و مخمل‌های پوسیده فرنگستان چه نفعی متصور است که صرف نظر از
منسوجات وطنی کرده و به زرق و برق خانمان برانداز خارجه پرداخته‌ایم؟ ()
مزین السلطنه، ش ۲۱، سال دوم: ص ۳

۷. تفکرات ملی - مذهبی در نشریه شکوفه

تا قبل از مشروطه زنان در بیرون از منزل کاملاً پوشیده بودند و حتی صورت خود را نیز می‌پوشاندند ولی پس از مشروطه شرایط تغییر کرد و روبندها کمتر به کار برده شدند، در این دوره، زنانی از جمله تاج السلطنه حجاب خود را برداشتند و زمزمه‌هایی نیز در انتقاد از چادر شروع شد. در همین دوره در برخی از مقالات نشریه شکوفه نوعی ملی‌گرایی (با رویکرد مذهبی) مشاهده می‌شود که هدف آن تأکید بر قانون حجاب و رعایت آن از جانب بانوان مسلمان ایران است:

... در یک اتاق اقلاً دوازده زن نشسته از میانه این دوازده نفر دو نفر می‌توانید
پیدا کنید که حفظ شرف خودشان را داشته باشند. تمام با لباس‌های شیک یا
جوراب‌های توری، اورسی روباز فرنگی، چادرهای اطلس، روهای باز ابدا هیچ
خیال نمی‌کنند که آیه مبارکه حجاب برای ما زن‌های مسلمان نازل شده اقلاً
قدری ملاحظه مذهب خود را بکنید تا چه اندازه تقلید باید کرد (مزین‌السلطنه،
ش ۲۲، سال دوم: ص ۲).



تصویر ۳ - زن قاجاری با چادر و روبنده (آرشیو مطالعات معاصر ایران)

در این مقاله ضمن نفی تقلید از مد غربی، به روی باز زنان اشاره می‌شود که تا قبل از آن همیشه با روبنده^{۱۳} و پیچه^{۱۴} پوشانده می‌شد و دیگر صحبتی از چاقچور^{۱۵} نیست چرا که جوراب‌های توری و اورسی‌های روباز جایگزین آن شده‌اند. اشارات این مقاله رویکرد ملی و مذهبی شکوفه را آشکار می‌کند.

پوشاک غربی که زنان را مجذوب خود می‌کرد، جایگزینی جدی برای پوشش سنتی بانوان آن عصر بود. شکوفه در شماره ۲۱ جهت هشدار به زنان ایرانی برای بازنگری در سبک پوشش خود و صرفه‌جویی در مصرف، مقاله‌ای پیرامون سبک پوشش زنان اروپایی چاپ کرد که در آن آمده بود:

اهالی ممالک متمدنه اعم از زن و مرد از برای هر کاری و مجلسی لباس مخصوص دارند. مثلاً برای صرف غذا یا عروسی یا عزا یا مجالس بال یا برای خواب یا گردش و تفرج هرکدام لباسی که مخصوص آن کار است وضع کرده‌اند و به این جهت هر یک از خانم‌های اروپا ناچار باید چندین دست لباس مختلف داشته باشد ولی باید دانست که هر یک از اروپاییان که البسه فوق را یک مرتبه تهیه کرد لاف‌ل تا ده پانزده سال دیگر آن را با کمال نظافت مصرف نموده و هیچ محتاج به ترتیب‌دادن لباس دیگری نیست. به عکس خانم‌های ایرانی با نداشتن مد مخصوصی از برای اعمال فوق‌الذکر معهداً در مدت سال به تهیه چندین دست لباس هم قناعت ندارند. بعضی از خواتین مکرمه لباس‌هایی را که امسال به دویست تومان یا بیشتر تهیه کرده‌اند مجبورند بیست تومان بفروشند که این فرم و این پارچه امسال ورافتاده و باید فرم و پارچه جدید تهیه نمود... با یک صدای رسایی که سرتاسر مملکت ایران و وطن عزیز ما را فراگیرد به سمع خانم‌های محترم ایران می‌رسانم و با کمال عجز و مسکنت عرض می‌نمایم که ای خواتین محترمه و مکرمه، به مملکت عزیز خودتان رحم کنید... زحمات شوهرها و خودتان را به بهای امتعه بی‌اصل اروپا ندهید و خود را مورد لعن آیندگان و اخلاف خویش واقع نفرمایید. (مزین‌السلطنه، ش ۲۱، سال دوم: ص ۴۰۳)

این مقاله با تأکید بر سبک پوشش زنان اروپایی و صرفه‌جویی آنان در مصرف، زنان ایرانی را مقلد معرفی می‌کند و با واژگانی چون مملکت عزیز و وطن عزیز،

۱۳ پارچه‌ای که زنان به وسیله آن صورت خود را بپوشانند. پارچه نخی چهارگوشی که با دو قلاب کوچک بالای پیشانی به دستار می‌چسبد. در میان روبند شکاف افقی درازی باز کرده و آن را توری‌دوزی می‌کردند

۱۴ : قسمی روی بند زنان بافته از موی یال و دم اسب به رنگ سیاه که بعضی زنان مسلمان در خارج از منزل به چهره خود می‌زنند

۱۵ چکمه‌های پارچه‌ای بلندی که تا بالای زانو می‌رسید و زنان قاجاری به پا می‌کردند، شلوار نیز درون این چکمه‌ها قرار می‌گرفت. این چکمه‌ها به وسیله بند جوراب نگه داشته می‌شد

احساسات مخاطب را در جهت تغییر در روش مصرف تهییج می‌کند و در انتها با داعیه ملی‌گرایی، مصرف کالای اروپایی را مایه ورشکستگی صنایع و آینده تیره و تار کشور می‌داند.

۱-۷. حمایت از خودکفایی اقتصادی در نشریه شکوفه

شکوفه، اشتغال‌زایی برای دختران محصل را نشانگر اهتمام انجمن خواتین برای خودکفایی اقتصادی می‌دانست. این خواسته‌ها با مطالبات ملی‌گرایانه روشنفکران در این دوره هم‌خوانی داشت. ترویج صنایع دستی و ارزش‌گذاری بر روی هنرهای سنتی نیز پیشنهادهایی برای ارائه سبک پوشش وطنی با کیفیت بالا محسوب می‌شد. در مقاله‌ای با عنوان «لایحه‌ای برای انجمن خواتین»، «توردوزی» و «حاشیه‌دوزی» لباس‌های زنانه که به دلیل ارتباط با بانوان اروپایی مد شده بود را برای اشتغال معرفی می‌کند. به همین دلیل هم از خانم‌ها می‌خواهد تا به جای تهیه تور و حاشیه‌دوزی‌های ماشینی بازار، از هنرهای دستی شاگردان استفاده کنند (مزمین السلطنه، ش ۱۲، سال سوم، ۱ و ۲). در مقاله‌ای با عنوان «مقصود از تمدن چیست و دولت و ملت متمدن کدام است؟»، با اشاره به تمدن و هویت تاریخی و آثار باستانی ایران، تمدن ایران را غنی‌تر از ممالک دیگر دانسته و استنباط می‌کند با چنین پیشینه قدرتمندی ایران از جمیع ممالک متمدن‌تر و ثروتمندتر بوده و همیشه مایحتاج معیشت خود را بدون اینکه ذره‌ای از خارج محتاج باشد، آماده و مهیا می‌کرده است (مزمین السلطنه، ش ۱۰، سال دوم، ص ۴). محتوای این متن در راستای خودکفایی اقتصادی، و بخشی از آن در باره منسوجات و مرتبط با پوشش زنان است. عنوان مقاله با به کارگیری واژگانی چون «تمدن»، «دولت» و «ملت متمدن» تکمیل شده است که بار محتوایی آن ملی‌گرایانه و همخوان با شرایط اجتماعی دوره مشروطه است.

اندیشه ملی‌گرایی با تعریف فرانسوی ملت توسط روشنفکران دوره قاجار وارد ایران شد. فضای فکری حاکم بر جامعه، دولت و روشنفکران بر تعریف مفهوم ملت تأثیر گذاشت (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). آخوندزاده و آقاخان کرمانی که اندیشمندانی ملی‌گرا بودند، در آثارشان به کرات از واژه ملت استفاده کرده‌اند. کرمانی در *آینه اسکندری* اولیای دولت و ملت را خطاب قرار می‌دهد: «... نه در فکر ثروت و مکنّت خود باشید بلکه غنای جمهور ملت را عین غنای خود شمرده و ثروت و وسعت عموم افراد مملکت را مأموریت خزاین دولت و ملت دانسته باشید. این ملت احتیاج به دانستن وسایل ثروت و تکمیل صناعت و حرفت و ترویج معامله و تجارت و تسدید اخلاق و تعدیل حکومت و اصلاح عقاید عامه و تسهیل معیشت و معاشرت دارند» (بردسیری کرمانی، ۱۳۲۴: ۶۳۶).

۲-۷. تحریم منسوجات فرنگی در نشریه شکوفه

در شماره ۲۲ سال دوم شکوفه، نامه‌ای از طرف اعتضادالحکما چاپ شده است که محتوای آن مقایسه منسوجات ایرانی با پارچه‌های خارجی است، نگارنده با اعلام این که خرید پارچه‌های خارجی را برای خود تحریم کرده است، به تمجید از پارچه‌های ابریشمی، پشمی، ریشمائی می‌پردازد و در عین حال ابراز تاسف می‌کند که وقتی اهالی اصفهان قدر این محصولات را نمی‌دانند از شهرهای دیگر چه توقع می‌توان داشت. او از چشم‌هایی می‌گوید که به راه فرنگ است تا اجناس بی‌کیفیت بخرند. در انتها نیز از بانوان می‌خواهد که از زنان اروپایی که در اصفهان پارچه‌های ابریشمی یزد و قلمکار را با علاقه می‌خرند تقلید کنند و به محصولات وطنی خود توجه بیشتری کنند. احتمالاً به دلیل همین شرایط نابسامان در عرصه نساجی، و تقلید بی‌رویه از پوشش غربی است که مزمین السلطنه اقدام به تأسیس «انجمن خواتین» کرد و فعالیت‌های آن در روزنامه شکوفه منتشر کرد. هدف اصلی این انجمن اتحاد اعضای آن در عدم استفاده از منسوجات غربی و وارداتی بود. همچنین در لایحه‌ای مشترک، خانم‌های مدیران مدارس نسوان و انجمن همت خواتین، متعهد شدند تا هم خودشان از پوشاک وطنی استفاده کنند و هم بستگان خویش را تشویق به استفاده از

پارچه‌های ایرانی (از جمله برای اونیفورم مدرسه دانش‌آموزان) کنند. آنها این اقدام را تلاشی در جهت رونق بافته‌های رشت، مازندران، کرمان، اصفهان، یزد و مشهد و... می‌دانستند.

در روز جمعه ۱۵ شهر جمادی‌الثانی مجلسی به همت سرکار علی‌یه عالی‌یه خانم نوالدجی خانم مفتشه کل مدارس نسوان بنا به خواهش و تقاضای بعضی از خانم‌ها و دوستان و مدیران مدارس نسوان منعقد شده که مقصود از این انعقاد مجلس برای ترویج پارچه‌های وطنی تمام خانم‌های محترمه با وجدان با هم متحد و هم قسم شده‌اند که تاقوه دارند اجناس وطنی بپوشند و شاگردان مدارس و بستگان خود را وادار به پوشیدن اجناسی وطنی بنمایند و هرگاه شاگردی اطاعت نکند از مدرسه خارج و مدرسه دیگر هم آنها را قبول نکند... چاره خیر این است که برای جلوگیری از این مفساد شخصی و ضرر مملکتی به طرف اجناس داخلی رفته مال‌التجاره و بافته‌های رشت، مازندران، کرمان، اصفهان، یزد و مشهد و غیره رونق داده هم منفعت بزرگی باید به کارخانه‌هایی که سال‌ها خراب شده برسانیم و هم خدمتی به مردان کارگر خود نموده باشیم و خود در خانه خود ننگ عاریتی را کنده، لباس شرف و افتخار در بر کنیم چقدر با شرف خواهد بود (مزمین‌السلطنه، ش ۱۱، سال سوم ۳۰۴).

شکوفه در شش شماره بعد در خصوص روند کار انجمن، به استفاده اجباری از منسوجات وطنی در میان خانم‌ها و شاگردان مدارس اشاره می‌کند که با گذشت پنج هفته، بیش از پنج هزار نفر در این امر شرکت کرده‌اند، تا جایی که در بازار زردشتیان کمتر پارچه باقی مانده‌است و امید دارند که این عده روز به روز بیشتر خواهند شد. این برنامه آنچنان با استقبال روبه‌رو شد که شکوفه در شماره ۱۷ همان سال در مقاله‌ای تحت عنوان «بشارت باد اهل وطن را» مژده بهبود وضعیت نساجی می‌دهد ضمن این که از بی‌مبالاتی رجال مملکت در وارد کردن منسوجات فرنگی نیز گلایه می‌کند.

اگرچه هدف انجمن همت خواتین از این فعالیت‌ها، جلوگیری از شکسته‌شدن تحریم پارچه‌های وارداتی بود اما این قبیل فعالیت‌های تجربه‌ای گسترده و غنی از فعالیت سازمان یافته اجتماعی برای فعالان حقوق زن به دست می‌داد و توانایی آنان را برای حضور فعال در حیات اجتماعی اثبات می‌کرد. چنان که در پی تداوم فعالیت انجمن، گروهی از زنان در صدد تأسیس کارگاه‌های پارچه‌بافی برآمدند. مثلاً صدیقه دولت‌آبادی در سال ۱۳۳۶ ه.ق شرکت خواتین اصفهان را به صورت تعاونی در اصفهان تأسیس کرد (کرباسی زاده، ۱۳۸۴، ۵۸).

۸. نتیجه

روزنامه شکوفه در سال ۱۳۳۰ ه.ق به سردبیری مریم عمید، ملقب به مزمین‌السلطنه، به عنوان دومین نشریه زنان در عهد مشروطیت انتشار یافت. این نشریه با وجود عمر کوتاه چهار ساله، اقدامات بسیاری در زمینه کمک به پیشرفت بانوان در عرصه‌های آموزشی، تربیتی و بهداشتی انجام داد. با مطالعه مقالات این نشریه مشخص می‌شود موضوع و دغدغه اصلی دست‌اندرکاران نشریه (پس از

توصیه‌های بهداشتی در باب مادر و کودک) غالباً سبک پوشش زنان و تشویق مخاطب به استفاده از کالاهای وطنی بوده است. بنابراین محتوای این مطالب از این دو منظر تحلیل شده‌اند که نتایج تحلیل‌ها عبارت است از:

- محتوای مطالب شکوفه بیانگر دوره‌ای از تاریخ پوشاک‌زنان ایران است که واژگان تخصصی مرتبط با پوشش مثل مد، تقلید، شیک و ... در جامعه جا افتاده و تلاش برای ابراز وجود، زنان ایرانی را به تقلید بی‌رویه از مدهای اروپایی و بالطبع استفاده از منسوجات فرنگی می‌کشاند.
- پس از سفر ناصرالدین شاه به اروپا و ورود اجناس اروپایی به داخل کشور، پوشش بانوان وارد دوره گذار از سنت به مدرنیته می‌شود. در این دوره ملی‌گرایان مذهبی در تقابل با تجددگرایی، در برابر شیوه پوشش و حجاب زنان ایرانی ایستادگی می‌کنند.
- شکوفه سعی داشت با ارائه نمونه‌هایی از سبک پوشش مناسب زنان اروپایی و همچنین شیوه‌های درست مصرف و پرهیز از اسراف، شیوه صحیح انتخاب و نگهداری نوع لباس را به زنان ایرانی نشان دهد.
- از منظر ملی‌گرایی، مزین‌السلطنه در طول چهارسال فعالیت روزنامه‌نگاری خود سعی داشت سبک پوشش زنان ایرانی را که تحت تأثیر روابط گسترده با اروپا دچار تغییرات محسوسی شده بود، به هویت ایرانی - اسلامی بازگرداند.
- مزین‌السلطنه برای حمایت از منسوجات داخلی انجمن خواتین را تاسیس، و تلاش کرد با همکاری مدیران مدارس دخترانه استفاده از پارچه ایرانی را برای اونیفورم دختران رواج دهد.
- شکوفه در برخی مقالات، سران مملکت را مخاطب قرار می‌دهد و از آنان می‌خواهد برای نجات صنعت نساجی و پوشاک خود لباس وطنی بپوشند تا ایشان برای عموم مردم الگو باشند و مد را از خانه خود به جامعه نسوان منتقل کنند.
- در مقالات نشریه شکوفه علاوه بر تهییج حس میهن‌پرستی برای استفاده از منسوجات داخلی، به حفظ حجاب و عفاف زنان (با توجه به پیشینه تاریخی) نیز تأکید می‌شود.
- شکوفه نشریه‌ای زنانه با دیدگاه ملی - مذهبی است که این پایبندی به ارزش‌های دینی و سنتی، تا حدودی مسیر آن را از متجددین جدا می‌کند. رویکرد شکوفه در مواردی همسو با روشنفکران مشروطه‌خواهی است که داعیه ملی‌گرایی داشتند و راه نجات ایران را بازگشت به دوران پرافتخار پیشین می‌دانستند.

منابع:

- آبراهامیان، پروانده، (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، مترجم احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی: تهران.
- ابادری، مانا و حبیب الله طیبی (۱۳۹۶)، *مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان قاجار قبل و بعد از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ*، دوفصلنامه علمی - ترویجی پژوهش هنر، سال هفتم، ش ۱۳
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۸۰)، *نقش زنان در انقلاب مشروطه*، مجله تاریخ معاصر ایران، ش ۱۸
- آدمیت، فریدون، (۱۳۵۷)، *اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*، انتشارات پیام، تهران .
- اسمیت، فیلیپ و الگزندر رایلی (۱۳۹۴)، *نظریه فرهنگی*، مترجم محسن ثلاثی، نشر علمی، تهران.

- اسمیت، آنتونی. دی، (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، مترجم منصور انصاری*، ج اول، انتشارات تمدن ایرانی، تهران.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۴)، *دانشنامه سیاسی فرهنگ و اصطلاحات مکتب‌های سیاسی*، انتشارات مروارید، تهران.
- اوز کریمی، اوموت، (۱۳۸۳)، *نظریه‌های ناسیونالیسم*، مترجم محمد علی قاسمی، انتشارات تمدن ایرانی، تهران.
- بردسیری کرمانی، میرزا عبدالحسین خان (۱۳۲۴)، *آینه اسکندری*، جلد اول، نشر چشمه، تهران.
- استنلی، بن (۱۳۷۶)، *ناسیونالیسم چیست؟*، ترجمه عزت‌اله فولادوند، انتشارات طرح نو، تهران.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۹۵)، *زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان از مشروطه تا پهلوی*، تاریخ اسلام و ایران، ش. ۳۰، تهران.
- حمیدی، نفیسه، مهدی فرجی (۱۳۸۷)، *سبک پوشش زنان در تهران*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، س. اول، ش. ۱.
- خداداد، معصومه، (۱۳۸۷)، *نخستین روزنامه‌های زنان ایران*، مجموعه مقالات: نشریه داخلی، ش. ۴۹.
- خسروپناه، محمد حسین، (۱۳۸۱)، *هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*، پیام امروز، تهران.
- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳)، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد.
- رضایی، فاطمه، مرادی، مسعود (۱۳۹۵)، *تحول سنجی مفهوم ملت در دوره قاجار*، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش. ۱۹.
- زنجانی‌زاده، هما و علی باغدار دلگشا (۱۳۹۴)، *بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه با تأکید بر روزنامه زبان زنان*، فصلنامه مسایل اجتماعی ایران، سال ششم شماره ۱.
- شریعت‌پناهی، حسام‌الدین (۱۳۷۲)، *اروپایی‌ها و لباس ایرانیان*، نشر قومس، تهران.
- شریعتی، علی (۱۳۵۹)، *ملیت و ملی‌گرایی از نگاه دکتر علی‌شریعتی و استاد مرتضی مطهری؟؟؟*، سازمان انتشاراتی استقلال، تهران
- طباطبایی، محیط، (۱۳۶۶)، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، انتشارات بعثت، تهران.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار*، مترجم یعقوب آژند، گستره، تهران.
- علیزاده، محمدعلی و علی باغدار دلگشا (۱۳۹۵)، *بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه*، زن و جامعه، سال هفتم، ش. ۱
- غیبی، مهرآسا (۱۳۸۴)، *تاریخ پوشاک اقوام ایران*، هیرمند، تهران.
- فلور، ویلم (۱۳۹۳)، *صنایع دستی کهن در دوره قاجار*، مترجم علیرضا بهارلو، پیکره، تهران.
- قادری، طاهره و سیدآیت‌الله میرزایی (۱۳۹۰)، *ناسیونالیسم ایرانی در سده نوزده*، مطالعات جامعه‌شناختی، ش. ۱۸.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، *ناسیونالیسم در ایران*، مترجم فرشته سرلک، نشر گفتار، تهران.
- کریمیان، حسن و عبدالکریم عطارزاده، (۱۳۹۰)، *نقش انقلاب صنعتی در تحولات صنایع دستی ایران*، مطالعات تاریخ اسلام، ش. ۱۱.
- کرباسی‌زاده، مرضیه (۱۳۸۴)، *سیر تحولات اجتماعی زنان در یکصدسال اخیر*، نشر کنون، تهران.
- گیبینز، جان آردو ریمر، ب، (۱۳۸۱)، *سیاست پست‌مدرنیته*، مترجم منصور انصاری، گام نو، تهران.

- عمید سمنانی، مریم (مزین السلطنه)، یک اندازه از فقر و فلاکت ایرانیان به واسطه خانم‌های ایرانی است، نشریه شکوفه، سال دوم، ش ۲۱ ص ۴۳، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- _____، تقلید بد، نشریه شکوفه، سال اول، ش ۵، ص ۳ و ۲، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- _____، مکتوب از اصفهان، نشریه شکوفه، سال دوم، ش ۲۲ ص ۲، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: تهران.
- _____، در تربیت اطفال نشریه شکوفه، سال سوم، ش ۶، ص ۱، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: تهران.
- _____، در آسایش زندگانی خانم‌های محترمه، نشریه شکوفه، سال دوم، ش ۱۹، ص ۳، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: تهران.
- _____، نطق مزین السلطنه، نشریه شکوفه، سال سوم، ش ۱۳ ص ۳، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: تهران.
- _____، لایحه ایست از انجمن خواتین ...، نشریه شکوفه، سال سوم، ش ۱۲ ص ۱ و ۲، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: تهران.
- _____، مقصود از تمدن چیست و دولت و ملت کدام است؟، نشریه شکوفه، سال دوم، ش ۱۰ ص ۴، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: تهران.
- _____، همت خواتین ایرانی، نشریه شکوفه، سال سوم، ش ۱۱، ص ۴، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: تهران.

منبع تصاویر:

- آرشیو مطالعات معاصر ایران